مبارک همه باشد این صعود



یادداشت

مرتضی رضایی

بیایید فقط همین یک روز، فقط همین یک روز همه چیز را کنار بگذاریم، از نیش و کنایه‌ها گرفته تا منم منم بودن‌ها. بیایید این خوشحالی را به نام خودمان سند نزنیم. از آن بالا در رأس وزارت ورزش و فدراسیون گرفته تا خود ما که با عشق برای تیم ملی و برای ایران سال‌ها نوشته‌ایم. بیایید کیف کنیم از این صعود راحت که البته سخت بود! فقط چند ماه برگردیم عقب؛ شب بازی با بحرین یا شب بازی با عراق. کدام‌یک از ما دلشوره نداشتیم؟ به جرأت خیلی از ما می گفتیم مگر می‌شود با آن همه چرک بازی بحرین را در خانه‌اش برد، یا عراق که گربه سیاه‌مان بود را شکست داد؟ ویلموتس رفته بود، اسکوچیچ را آورده بودند که کمتر کسی به او اعتماد داشت و حاشیه پشت حاشیه. با این حال طارمی، آزمون، جهانبخش و سایر رفقا به معنای واقعی جنگیدند؛ جنگیدند تا دیگر هیچ حرف و حدیثی باقی نماند. به قول خیلی از کارشناسان «حیف نبود این تیم ملی نرود جام جهانی؟»

ایران حالا در قطر است، در مهم‌ترین رویداد فوتبالی جهان. انتظار زیاد است. مثلاً دیگر خیلی‌ها فقط دل‌شان حضور در این رویداد را نمی‌خواهد. آرزوها فراتر رفته است و این بار شاید اتفاق‌های دیگری بیفتد که گوشه ذهن همه‌مان هست. با این حال حتی حالا هم نمی‌خواهم به آن روزها فکر کنم، جایش باید در همان گوشه ذهن باشد. هنوز نه قرعه‌ای مشخص شده و نه رقیبی. امروز اینجا و در این نقطه هستیم تا یک حلقه اتحاد فوتبالی دور هم بزنیم و این شادی را با میلیون‌ها عشق فوتبال و میلیون‌ها ایرانی تقسیم کنیم. مبارک مان باشد این صعود.

از دست تو توی سینه من ولوله برپاست



یادداشت

کاوه علی اسماعیلی

فرصت‌سوزی نکردیم، نقشه داشتیم، راه را درست رفتیم و با وجود همه حاشیه‌هایی که مسئولان فدراسیون فوتبال ساختند، چراغ‌ها را خودمان روشن کردیم. جالب است؛ به جای اینکه بازیکنان و مربیان حاشیه بسازند و فدراسیون این حواشی را جمع کند، همه چیز برعکس شد و آنقدر اتفاقات عجیب در ساختمان خیابان شیخ بهایی رخ داد که می‌توانست کمر تیم ملی را بشکند اما ملی‌پوشان غیرت به خرج دادند و جور فدراسیون را کشیدند.

حتماً از صفر تا صد این صعود به‌نام قهرمانان وطن است. کسانی که عشق به وطن را با هر گل و بردشان در قلب ایرانی‌ها دوباره شکفتند. چه عشق زیبایی؛ عاشق یک پرچم سه‌رنگ باشی و از روز اول عمرت تا ابد، قلب‌ات را تسخیر کند. ما به جام‌جهانی رفتیم؛ با پرچم ایران به مهم‌ترین جشنواره فوتبال در جهان رسیدیم و چه هیجان فوق‌العاده‌ای داریم. از همین حالا، به خاطر تیم ملی، ولوله در سینه‌مان برپاست! اینکه با چه تیم‌هایی در یک گروه قرار می‌گیریم و قرار است چه اتفاقاتی را تجربه کنیم. این تیم ملی، آنقدر قدرتمند است که می‌توانیم در میهمانی‌ها، وقتی حرف از فوتبال شد، صدای‌مان را صاف کنیم و بگوییم: «با قدرت به جام جهانی رفتیم. واقعاً این بچه‌ها گل کاشتند. کاری کردیم همه تیم‌های آسیایی از ما بترسند و...» که صدای‌مان را صاف کنیم و بگوییم: «وقتی بازی با عراق تموم شد، ریختیم تو خیابون و چند ساعت با پرچم ایران جشن گرفتیم، کیف کردیم!» اینها همه از یک عشق نشأت می‌گیرد؛ عشق به خاک، به وطن، به پرچم و به‌نام بزرگ ایران. بازیکنانی که قبل از شروع دیدار با عراق در رختکن جمع شدند تا حلقه اتحاد تشکیل بدهند، در همان لحظات داشتند به این کلمات فکر می‌کردند: «وطن، ایران، پرچم، مردم و مُردن برای بُردن.» ما در این سال‌ها، چیزهای زیادی از دست دادیم اما با صعود تیم ملی به جام‌جهانی، غرورمان را پس گرفتیم؛ غروری که با حذف استقلال و پرسپولیس از آسیا، کمرنگ شده بود اما حالا به عشق تیم ملی، سرمان بالاست و می‌توانیم به کل آسیا بگوییم: «کت تن ماست!»